

■ وضعیت فرهنگی ارامنه بوشهر در دوره قاجار

(بر اساس اسناد این دوره)

بدرالسادات علیزاده مقدم | ظهراب هاشمی پور

■ چکیده

هدف: این پژوهش بر آن است تا به بررسی وضعیت فرهنگی ارامنه بوشهر و تأثیر فعالیت آنها در رشد فرهنگی این شهر در دوره قاجار بپردازد.

روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و برپایه منابع کتابخانه‌ای و اسناد این دوره انجام شده است. در پایان نیز پس از ارزیابی داده‌های تاریخی و تجزیه و تحلیل آنها به استنتاج پرداخته شده است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: ارامنه بوشهر در دوره قاجار در محلات مخصوص به خود در بوشهر سکونت و بیشتر به تجارت و بازرگانی اشتغال داشتند. ارامنه این شهر از لحاظ اعتقادی جزء مسیحیان ارتدوکس و در ارتباط مستمر با ارامنه اصفهان بودند. آنها در این دوره با حفظ آئین و زبان مادری خود به زبان‌های مختلف مورد نیاز خود تسلط داشتند. در مورد نحوه پوشش ارامنه، در این دوره به‌طور عمده، تمایزی میان آنها و اهالی بوشهر وجود نداشت. همچنین، با حفظ هویت مذهبی و فرهنگی خود، نقش فعالی در رشد و توسعه فرهنگی بوشهر داشتند. علاوه بر تأسیس مدرسه و نوانخانه ویژه ارامنه، در توسعه مدرسه سعادت مظفری و ارائه الگویی جهت تأمین بودجه آن مشارکت فعال داشتند. اقدامات ارامنه بوشهر تنها به این بندر محدود نبود و در تأسیس نهادهای آموزشی و امور مطبوعاتی در دیگر بنادر خلیج فارس نیز نقش قابل توجهی در بالابردن سطح آگاهی و رونق این بنادر ایفا کردند.

کلیدواژه‌ها

ارامنه، بوشهر، دوره قاجار، مدرسه سعادت مظفری.

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و پنجم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۴)، ۷۶-۵۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۳ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۲

وضعیت فرهنگی ارامنه بوشهر در دوره قاجار (بر اساس اسناد این دوره)

بدرالسادات علیزاده مقدم^۱ | ظهراب هاشمی پور^۲

مقدمه

ارامنه از گذشته‌های دور، یعنی زمانی قریب به دوهزار و هفتصد، هشتصد سال پیش تاکنون همواره با ایرانیان دارای ارتباطات بسیار نزدیکی بوده‌اند. جابه‌جایی‌های ناشی از بازرگانی و تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر موجب مهاجرت نیروهای ارمنی به مناطق داخلی ایران می‌گردید. حضور ارامنه در پیکره اجتماع ایران به صورت مجتمع‌های انسانی ابتدا در دوره شاه طهماسب اول صفوی به وقوع پیوست. شاه طهماسب، طی سال‌های ۹۴۷-۹۶۰ ق. / ۱۵۴۰-۱۵۵۳ م. با لشکرکشی‌های مختلفی که به مناطق مختلف قفقاز انجام داد اسیران گرجی، چرکس، و ارامنه زیادی را با خود به ایران آورد (مستوفی، ۱۳۷۵، ص ۷۶). این روند در دوره شاه عباس اول صفوی نیز استمرار یافت. بدین ترتیب، ارامنه، به تدریج با حضور در عرصه‌های مختلف به‌ویژه عرصه‌های تجاری و بازرگانی در گوشه و کنار ایران نقش‌های مؤثری ایفا نمودند (اسکندریبیک ترکمان، ۱۳۸۷، صص ۸۹۸-۹۰۱). در این میان، بندر ایران، به‌ویژه بندر بوشهر به‌عنوان مهم‌ترین دروازه جنوب ایران، فضای مناسبی را جهت ارامنه مستعد فراهم کرده بود. به استناد برگ سندی که در بایگانی اسناد وزارت امور خارجه نگهداری می‌شود و بیانگر مکاتبه کشیش واهاک، رئیس روحانی ارامنه بوشهر با مجلس شورای ملی و وزارت امور خارجه وقت است، حضور متداوم ارامنه در بوشهر، سیصد سال اعلام می‌شود، یعنی از دوره‌ای که صفویان بر ایران حکم می‌راندند (استادوخ، ۴۱-۱۳-۴-۱۳۲۶ ق.). ارشام و تگران ملکم، فرزندان خواجه یوسف ارمنی نیز پیشینه حضور

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور واحد اصفهان (نویسنده مسئول)

Baliz_moghadam@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه پیام نور اصفهان

Hashemipoormehrdad@yahoo.com



اجدادی خود را در مناطق جنوب- بندرعباس و بوشهر- به دوره صفویه و دوره شاه عباس اول می‌رسانند. این امر به صراحت از مفاد نامه‌ای ایشان به صدراعظم وقت ایران به تاریخ ۲۷ شوال ۱۳۱۳ق. ۱۸۹۷م. برمی‌آید: «..... خانواده این فدویان از قدیم الایام جان فشان و فرمان‌بردار دولت ابد مدت علیه بوده‌اند. چنانکه در عهد سلاطین صفویه بنای آبادی و معموری بندرعباس را گذاشتند و امتیازات تجاری معتبر هم از شاه عباس داشتند. جد [خوانده نشد] این فدویان هنگامی مسکنت بوشهر را اختیار نمود که در بوشهر فقط ده ماهی فروشان بود و بنای آبادی را که گذاشت باعث ترقی و معموری شهر شدیم و همه وقت مفتخر و سرافراز نموده دولت علیه بوده‌ایم.....» (استادوخ، ۳۳-۱۷-۲۵-۱۳۱۳ق.). به این ترتیب، اگر به مفاد این سند اعتماد کنیم، درمی‌یابیم که خاندان ارمنی «ملکم» که پیش از این، با عنوان خانوادگی «کانستانتین» شناخته می‌شدند، در دوره صفویان و در ایام فترت بوشهر به این بندر مهاجرت نموده و در اینجا سکنی گزیده بودند.

ایجاد پایگاه نیروی دریایی توسط نادرشاه افشار در بوشهر و به دنبال آن، افول رونق بندرعباس به دلیل حملات گاه و بیگاه قبایل بلوچ و همین‌طور اجحافات نصیرخان لاری، به تدریج زمینه را جهت رشد و شکوفایی بندر بوشهر مهیا کرد. علاوه بر این، حکمرانی خاندان تجارت پیشه آل مذکور در بوشهر و اتخاذ سیاست دوستی با کریم‌خان زند و به دنبال آن، ثبات سیاسی و اقتصادی بوشهر و مرکزیت آن برای کمپانی‌های هند شرقی انگلستان و هلند و نزدیکی با شیراز- مقرر حکمرانی زندها- همه عواملی شدند که به تدریج رونق بوشهر را سبب گردیده و نویدبخش آینده‌ای روشن برای این بندر به شمار می‌آمدند. از این رو، به تدریج آرامنه زیادی رو به سوی بوشهر نهادند تا از فضای مساعد و مناسب کسب و کار در این بندر بهره‌مند شوند. در دوره قاجار، جمعیت آرامنه از تشکل بیشتری برخوردار شدند. آرامنه بوشهر در این دوره با حفظ آداب و رسوم و عادات و اعتقادات دینی خود ضمن تعامل فرهنگی با جامعه و با بهره‌گیری از فضای متنوع قومی و نژادی آن توانستند در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی فعالیت کرده و با اقدامات خود تأثیر مهمی بر فضای فرهنگی این شهر به جای گذارند. این پژوهش با اتکا بر اسناد نویافته در صدد پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. وضعیت فرهنگی آرامنه بوشهر در دوره قاجار چگونه بوده است؟
۲. آرامنه بوشهر چه اقداماتی در جهت رونق فرهنگی بندر بوشهر در دوره قاجار انجام دادند؟



حضور ارامنه در بوشهر در دوره قاجار

ارامنه از جمله گروه‌های مهاجر به بندر بوشهر بودند. تعداد آنها در ابتدای این دوره در بوشهر قابل ملاحظه نبود، اما از ابتدا با حضور در امور تجارت و بازرگانی تأثیر قابل توجهی در رونق این بندر ایفا نمودند. درباره جمعیت ارامنه ساکن بوشهر در دوره قاجار، آمارهای متفاوتی از سوی ناظران وقت و محققان بعد ارائه شده است. مطابق گزارشی از مستر تامسون انگلیسی که در کتاب *تاریخ اقتصادی ایران* انعکاس یافته است، تعداد ارامنه مقیم بوشهر در سال ۱۲۸۳ ق. ۱۸۶۸ م. ۱۴ خانوار - در مجموع ۸۰ نفر - اعلام شده است (عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۴۴).

محمدعلی خان سدیدالسلطنه بندرعباسی نیز که در این دوره واجد سمت‌های سیاسی بوده و در سال ۱۳۲۲ ق. ۱۹۷۰ م. در بوشهر سکونت داشته است، این تعداد را ۱۰ خانوار برمی‌شمارد که به امر تجارت مشغول بودند و در این بندر مغازه دایر کرده بودند (۱۳۷۱، ص ۳۷). لوریمر نیز این تعداد را در سال ۱۳۲۳ ق. ۱۹۰۸ م. ۳۵ نفر برآورد می‌کند (۱۳۷۹، ص ۱۶۸). در حالی که این آمار به قلم جرج کرزن، نایب‌الحکومه هند انگلستان، یکصد تن اعلام می‌شود که به کار تجارت اشتغال داشتند (۱۳۶۲، ص ۲۸۵). در همین زمینه، استفان رای نیز ضمن اینکه تخمین تعداد ارمنی‌ها در بوشهر را امری دشوار می‌داند، به موجب یک تخمین کلی و تقریبی، جمعیت آنها را یکصد نفر برمی‌شمارد، یعنی ۲۰ نفر تاجر که هر کدام دارای ۵ نفر افراد تحت تکفل بوده‌اند (۱۳۷۸، ص ۳۵).

در هر حال، با در نظر گرفتن دو نکته مبنی بر اینکه برخی ارامنه ساکن بوشهر تابستان‌ها به علت شدت گرمی هوا به شیراز نقل مکان می‌کردند و اینکه برخی ارامنه نه تنها در محدوده اصلی شهر، بلکه در مناطق بیرون شهر مانند ریشهر و سبزآباد نیز سکونت داشته‌اند، شاید بتوان آمار حدود یکصد نفر را به حقیقت نزدیکتر دانست که البته با گذشت زمان و رونق کسب و کار آنها به طور طبیعی این رقم در حال افزایش بود.

وضعیت زیستی و عادات ارامنه بوشهر در دوره قاجار

از آنجاکه ارامنه مهاجر به بوشهر به‌طور عمده در مشاغل تجاری و بازرگانی فعالیت داشتند، از شرایط ویژه‌ای نیز برخوردار بودند. این شرایط بستر مناسبی برای این گروه جهت ایجاد ارتباط مناسب با اهالی بومی و مؤسسات و تجار خارجی فراهم می‌آورد. تجار ارمنی بوشهر در این دوره به طور عمده علاوه بر زبان ارمنی به سه دسته زبان‌های رایج و موردنیاز این مناطق یعنی فارسی، عربی، و انگلیسی تسلط داشتند. در واقع، این مسئله ناشی از ارتباط مستمر آنها با کمپانی‌های تجاری خارجی و عرب‌های ساکن و فعال این منطقه بود. نمونه آنها



آقایوسف ملکوم بود که به گفته اوژن فلاندن، چهار زبان یاد شده را به خوبی می دانست (۲۵۳۶، ص ۳۶۶).

میان پوشش آرامنه با دیگر اهالی ساکن این شهر تمایز چندانی وجود نداشت، اما برخی منابع نیز پوشش تعدادی از آنها را آمیزه‌ای از پوشش ایرانی‌ها، انگلیسی‌ها، هندی‌ها، و عرب‌ها ثبت کرده‌اند. چنانکه فلاندن در توصیف وضع ظاهر یکی از آرامنه بوشهر می نویسد: «لباسش کاملاً عجیب یعنی کلاهی از پوست بره سیاه، نیم تنه‌ای از کتان نازک سفید مانند هندیان و پاپوشی بشکل اعراب میداشت» (فلاندن، ۲۵۳۶، ص ۳۶۶).

ارمن‌ها در بوشهر، به طور عمده در محله مخصوص به خود موسوم به «تل آرامنه» واقع در شمال شرق بوشهر سکونت داشته‌اند. آنها با برقراری روابط دوستانه با اهالی بومی بوشهر و با استفاده از مدارای دینی که خصوصیت شهرهایی با ویژگی‌های بندری و بازرگانی بود، توانستند از فرصت‌های مطلوب تجارت و بازرگانی استفاده نمایند. آرامنه در این دوره، متناسب با رشد و توسعه بوشهر، با در اختیار گرفتن سمت‌ها و منصب‌های گوناگون مانند سمت کنسولی یا نمایندگی سیاسی، مناصب ریاست گمرک، معاونت و مفتشی گمرک، ریاست شعبه اداره کنترل گمرکات بوشهر، دفترداری و ایستاتستیک‌نویسی^۱ گمرک، حمال‌باشی گمرک (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱، صص ۱۰۶ و ۱۰۹)، پیمانکاری تهیه لوازم، و خواربار برای شناورهای گمرک (زنکنه، ۱۳۸۶، صص ۱۲۵-۱۲۶)، مقاطعه کاری یا پیمانکاری کشتیرانی، تشاله و تشاله‌چی^۲ (استفان‌رای، ۱۳۷۸، ص ۴۰)، مغازه‌داری، وکالت شرکت‌های بازرگانی خارجی، خدمت در ایستگاه‌های تلگراف، کاروان‌سراداری، ملاکی و کشاورزی، و کارگری در عرصه‌های مختلف تجارت و بازرگانی نقش آفرینی کردند.

علاوه بر اینها، برخی دیگر از اشتغالات نیز به ابتکارات شخصی آرامنه و با الگوپذیری آنها از نمونه‌های اروپایی آن ایجاد شده بود. این مشاغل نیز به هر روی عاملی در جهت توسعه فضای اجتماعی و اقتصادی بوشهر به شمار می آمدند. از جمله این مشاغل می توان به مشاغلی چون ایجاد کارخانه یخ‌سازی، هتل، پست، مدرسه، بیمارستان (هرچند که این مورد به علت عدم همکاری تجار و بازرگانان محلی عملی نگردید) و بعدها نمایندگی اتومبیل‌های انگلیسی (حمیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۳) اشاره کرد.

نکته حائز اهمیت و قابل استنباط، تحلیل و تعامل ارمن‌ها در جامعه آن روز بوشهر در عین حفظ هویت دینی آنها بود. علاوه بر اینکه انجام این خدمات فرهنگی و اجتماعی به تدریج در سایه برابری شهروندی و آزادی‌های همسان فرهنگی و مذهبی آرامنه با دیگر اتباع بومی شهر از قوام و دوام بیشتری برخوردار می شد.

۱. ایستاتستیک نویسن: فردی که حساب و کتاب صادرات و واردات هر جنس و کالا را در گمرک مطابق سال و ماه محاسبه می‌نموده است و نام کشور مربوط را نیز می‌آورده است.
۲. تشاله: لنج‌های کوچک محلی بودند که برای حمل بار و مسافر از کشتی‌های بزرگ و انتقال آن به لنگرگاه یا برعکس از لنگرگاه به کشتی بزرگ مورد استفاده قرار می‌گرفتند.



اعتقادات و امور مذهبی ارامنه بوشهر

از لحاظ دینی و مذهبی نیز ارامنه بوشهر در ارتباط نزدیک با ارامنه جلفای اصفهان بودند. این گروه، که به شاخه مسیحی ارتدکس^۱ تعلق داشتند، در ابتدا مراسم مذهبی خود را در کلیسای کوچکی به نام «هوانس مقدس» برگزار می‌کردند. سدیدالسلطنه در مورد این کلیسا می‌نویسد: «کلیسای هوانس مقدس یا یوحنا در سال ۱۱۸۶ ق. / ۱۷۷۲ م. با مساعده هونجون آقا، که در سورات هند زندگی می‌کرد، در موضع تل ارامنه یعنی همان محل سکونت ارامنه ساخته شده بود که اگرچه اکنون اثری از آن بر جای نمانده است، اما آثار آن تا اواخر حکومت قاجار، در بوشهر بر جای بود» (سدیدالسلطنه بندرعباسی، ۱۳۷۱، ص ۴۱).

این کلیسا نیز مانند دیگر کلیساهای ارمنی جنوب ایران، از لحاظ مدیریت و سیاست برنامه‌ریزی، تحت نظارت کلی شورای خلیفه‌گری ایران- هندوستان که مقر آن در اصفهان قرار داشت، عمل می‌کرد. مطابق فهرستی که برخی محققان با مراجعه به بایگانی کلیسای وانک در اصفهان تهیه نموده‌اند و اسامی کشیشان کلیسای ارامنه در بوشهر را دربردارد، به سه تن از کشیشان کلیسای هوانس مقدس نیز اشاره شده است (مشایخی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴).

در ۱۲۱۵ ق. / ۱۸۱۹ م. کلیسای دیگری، با عنوان «گئورگ مقدس» یا «سنت جرج»، به وسیله خانواده آوادیان، از خانواده‌های برجسته ارمنی ساکن بوشهر و مشارکت انگلیسی‌های مقیم این بندر در محله شنبه‌ای ساخته شد. این کلیسا شامل یک حیاط و چند اتاق در دو طبقه و یک سالن بزرگ به شکل صلیب با سقف بلند است. در اطراف این مجموعه، سالن نیایش، اتاق آموزش کشیشان، کتابخانه، رختکن، اتاق غسل تعمید، اتاق شست‌وشوی مردگان، و مانند آن ساخته شده بود. علاوه بر این، قسمت اعظم حیاط کلیسا را قبور مردگان یا قبرستان در برمی‌گرفت. این آرامستان، تنها متوفیان ارامنه را شامل نمی‌شد، بلکه شامل مقابر نیروهای انگلیسی یا روسی ساکن در بوشهر نیز بود. نکته قابل اشاره در اینجا اینکه، دنیس رایت بر این اعتقاد است که انگلیسی‌ها تا سال ۱۲۹۵ ق. / ۱۸۸۰ م. متوفیان خود را در این آرامستان به خاک می‌سپرده‌اند (۱۳۶۱، ص ۱۴۱)، اما حضور فیزیکی نگارنده در کلیسای مزبور و مشاهده برخی سنگ قبرهای به جا مانده، نقض این قول را عیان نمود. چرا که سنگ قبر دو تن از نیروهای انگلیسی موسوم به «ژان (جون) وب»^۲ و جرج گئورگ فردریک سیمسون^۳ که به ترتیب تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۲۹۷/۱۸۸۲ ق. و ۱۱ آگوست ۱۳۱۳/۱۸۹۸ ق. را بر خود دارد چیزی متفاوت با آن گفته را به تصویر می‌کشید. اما در باب متوفیان روس، بنا به گواهی منابع، تا اوایل قرن بیستم

۱. لاکهارت معتقد است که: «ارامنه به کلیسای گریگوری که بر اثر تصمیمات متخذه در شورای کالسدون (chalcedon) از حلقه ارتدکس مجزا شده تعلق داشتند». ر. ک.: لارنس لاکهارت (۱۳۶۸)، انقراض صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران (مصطفی قلی عماد مترجم). تهران: مروارید، ص ۱۱.
2. John Webb.
3. George Frederick Simpson.



نیز در آرامستان کلیسای گئورگ مقدس، آرامنه به خاک سپرده می شدند (زننگنه، ۱۳۸۶، ص ۳۱۸).

کلیسای گئورگ مقدس، همچنین از لحاظ مدیریت و سیاست برنامه‌ریزی، تحت نظارت کلی شورای خلیفه‌گری ایران- هندوستان عمل می کرد. هرگونه تغییر کشیش با نظر و اجازه ایشان صورت می گرفت و از آنجا که روحانیان ارمنی غالباً در کلیساهای جلفای اصفهان تربیت می شدند، کشیشان کلیسای مزبور از اصفهان و مطابق نظر اسقف اعظم آنجا مأمور به خدمت در بوشهر می شدند.

کلیسای گئورگ مقدس، علاوه بر سرپرست و کشیش، از یک اسقف و نیز یک خلیفه بهره می برد. از نام اسقف‌های این کلیسا و همینطور تعداد آنها و آغاز و پایان مدت خدمت ایشان در منابع خبری نیامده است. در رابطه با خلفای کلیسای مزبور نیز تنها یک برگ سند که در بایگانی اسناد وزارت امور خارجه نگهداری می شود، مبین آن است که در ۱۳۲۶ق. ۱۹۰۸ فردی ارمنی موسوم به «داگران» سمت خلیفگی این کلیسا را برعهده داشته است. به موجب این برگ سند، که در واقع نامه‌ای به وزیر امور خارجه وقت ایران بوده، وی نامه را با عنوان «داگران خلیفه کلیسای آرامنه سن زورژ» امضا کرده است (استادوخ، ۱۲-۳-۴-۱۳۲۶ق.).

علاوه بر این، بررسی منابع این دوره مؤید آن است که در دوره قاجار، این کلیسا مکانی برای بست نشینی و پناهندگی و تکیه گاهی برای پناهجویان یا در واقع متهمانی که احساس خطر می کردند نیز تلقی می شد، که تا زمان حسابرسی عادلانه از گزند تعرض مصون بمانند. در همین زمینه، بعد از دستگیری سیدمرتضی علم‌الهدی اهرمی، رهبر مشروطه خواهان بوشهر، آنگونه که کاکس نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر، ذیل گزارش خود در ۱۳ ژوئن ۱۳۲۷/۱۹۰۹ ق. می نویسد: «میرزاغلامحسین منشی و دوست صمیمی او [سیدمرتضی علم‌الهدی] که اعمال خلاف اخیر او را تشویق می کرد به کلیسای آرامنه پناه برد اما بعد از مکاتبات زیاد بین دریابییگی و رئیس جامعه آرامنه، کشیش او را به دریابییگی تحویل داد» (زننگنه، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸).

از لحاظ تمایلات دینی و گرایش‌های مذهبی، همچنان که پیش تر اشاره شد، کلیسای «سنت جرج» یا گئورگ مقدس بوشهر را باید در زمره کلیساهای ارتدکس آرامنه به شمار آورد. رمی وادالا، ضمن توصیف بوشهر، کلیسای ارمنیان در این شهر را ارتدکس می خواند (۲۵۳۶، ص ۱۵). کلیسا در اداره امورات بومی و محلی خود و تأمین بودجه و هزینه‌های جاری، به آرامنه بوشهر و آرامنه دیگر نقاط مرتبط با آن متکی بود. به گونه ای که برای حفظ کلیسا و تعمیر آن، نه تنها از خیریه آبکاریان کمک گرفته می شد (مشایخی



۱۳۸۲، ص ۲۲۹)، بلکه وجوه قابل ملاحظه‌ای نیز از ارامنه هند و جاهای دیگر دریافت می‌کرد. البته، اینگونه کمک‌های خارجی، تنها شامل کلیسای مزبور نمی‌شد، بلکه به دیگر کلیساهای ارمنی، به خصوص در جلفای اصفهان نیز تعلق می‌گرفت.

علاوه بر این، موارد دیگری نیز هستند که بیانگر ارتباط کلیسای ارمنی اصفهان با ارمنیان ساکن بوشهر است، از جمله بلیت‌های بخت‌آزمایی که معمولاً با نیت جمع‌آوری اعانه و کمک‌های مالی بین ارامنه مناطق مختلف ایران تقسیم می‌شد (مشایخی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵). به این ترتیب، در این دوره، ارتباط ارامنه بوشهر و ارامنه اصفهان به‌طور عمده و مستمر تداوم داشته است. البته، این امر در ارتباط ارامنه بوشهر با ارامنه شیراز، تهران، و دیگر نقاط ایران نیز صدق می‌کند.

در هر حال، ارامنه بوشهر در انجام مراسم و مناسک مذهبی خود آزاد و فارغ از هرگونه موانع و مواضعی مراسم عید پاک، عشای ربانی، غسل تعمید، و جشن عید اول سال (تولد مسیح) خود را انجام می‌دادند و در همین مراسم جشن اخیر بود که اوژن فلاندن فرانسوی نیز که در سال ۱۲۵۵ق. / ۱۸۴۰م. ده روز را در بوشهر مهمان آقایوسف یا خواجه یوسف ارمنی بود، به همراه دیگر ارامنه این شهر، در آن شرکت می‌کند. فلاندن در توصیف چگونگی این امر در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «اکنون اول ژانویه و خواستیم در این روز حرکت کنیم لیکن کوششمان بیفایده و آقایوسف و ارامنه اظهار داشتند غیر ممکن است بگذاریم برویم و می‌خواهیم آغاز سال ۱۸۴۱ [۱۲۵۶ق] را با شما باشیم. این روز عید رسمی و عیسویان بوشهر بدان اهمیتی عظیم میدادند... آقایوسف در روز عید جشن بزرگی برپا ساخت و ما کلیه تجار درجه اول بوشهر را در منزلش ملاقات کردیم» (۲۵۳۶، صص ۳۷۴-۳۷۵).

ارامنه بوشهر در این زمان از آرامش و تعامل قابل ملاحظه‌ای با اهالی این شهر برخوردار بودند، اما گاه دخالت‌های بیجای کنسولگری‌های خارجی این رابطه و تعامل را دچار اختلال می‌کرد. چنانکه به روایت یک برگ سند در سال ۱۲۶۸ق. / ۱۸۵۳م. یک نفر پسر ارمنی که پدرش از ارامنه جلفای اصفهان و رعیت دولت ایران بوده و خودش هم در بوشهر متولد و به حد بلوغ شرعی رسیده بوده، به اختیار خود و بدون اجبار و اکراه، نزد سیدطاهر از علمای بوشهر رفته و اسلام می‌آورد. لیکن نماینده سیاسی انگلستان در بوشهر به ممانعت برخاسته و از میرزا حسن علی خان، حاکم بوشهر، می‌خواهد که آن پسر ارمنی را تسلیم ایشان نموده تا او را زندانی کند. دولت ایران نیز در این رابطه استدلال می‌کند که همه جا رسم معمول این است که هرکس به اختیار خود مذهب غالب و شایع آن ملک را اختیار نماید، کسی را منعی نیست ثانیاً آنها سالهاست که در این مملکت مقیم هستند و آگاهی حاصل کرده اند که احکام و مباشرین امور دنیایی، در امور دینی باید تمکین رأی علمای شرع نمایند. بنابراین، حاکم بوشهر

چگونه می توانست خلاف قول و عقیده علمای بلد، کاری کند. در ادامه، نویسنده مراسله، نسبت به مفسده عوامانه که کنترل آن از دست خارج شود هشدار می دهد (استادوخ، ۱۶-۱۶۰-۱۲۶۸ ق.).

به هر ترتیب، کنسول انگلیس قانع نشده و با ابراز اینکه مشارالیه رعیت انگلیس است و حاکم بوشهر و سایرین حق مداخله ندارند، از دولت ایران می خواهد با صدور حکمی از حکومت بوشهر بخواند که آن پسر ارمنی را به کنسولگری انگلیس تحویل دهند. دولت ایران نیز با استناد ضمنی به قانون انگلستان، مبنی بر اینکه چنانچه فرد به تکلیف رسیده باشد آزاد است که هر مذهبی برای خود اختیار کند، از پذیرفتن درخواست آن کنسولگری سرباز می زند. و بدین صورت، قضیه تا پایان قطعی شدن تابعیت ایرانی و یا انگلیسی آن پسر ارمنی مجمل گزارده می شود (استادوخ، ۲۳۶-۴۷-۱۲۶۸ ق.).

نقش ارامنه در تأسیس مؤسسات آموزشی در بوشهر

پیش از تأسیس مدارس مستقل و به شیوه جدید از سوی ارامنه بوشهر، اصولاً خود کلیسای بوشهر وظیفه تعلیم و تربیت و آموزش را جهت ارامنه برعهده داشت. کلیسا، علاوه بر مکانی مذهبی، جایگاهی برای آموختن و یاد دادن و یاد گرفتن نیز بود. در پرداختن به نخستین مدرسه ارامنه در بوشهر نیز باید همین اصل را مدنظر قرار داد، در آغاز، این مدرسه در گوشه‌ای از حیاط آن کلیسا تشکیل شد. ژوزف وولف، میسیونر مسیحی، در نخستین سفر خود به ایران، در سال ۱۲۴۰-۱۲۴۱ ق. / ۱۸۲۴-۱۸۲۵ م. در محوطه کلیسا، مدارسی برای کودکان ارمنی در شیراز و بوشهر تأسیس کرد (رایت، ۱۳۶۱، ص ۱۸۰). ویلم فلور محقق هلندی نیز می نویسد: « در سال ۱۲۴۸/۱۸۳۲ ق. یک باب کلیسای ارامنه وجود داشت که در قبرستان آن مدرسه کوچکی توسط ارامنه دایر بود. این مدرسه توسط ژوزف وولف، تأسیس شده بود... دانش آموزان با راهنمایی یک نفر که هرسال ارمنی، بی جنب و جوش، با زحمت زیاد به فراگرفتن مبانی و مقدمات زبان‌های فارسی و ارمنی، مشغول بودند» (۱۳۸۷، ص ۵۳). اما به تدریج این مدرسه، به علت نبود بودجه تعطیل شد. سرانجام، بار دیگر در سال ۱۳۲۵ ق. / ۱۹۰۷ توسط میرزا موسس خان، مدرسه ارامنه در محلی دیگر و خارج از کلیسای بوشهر در خانه‌ای که به صورت کرایه تهیه کرده بودند مجدداً راه اندازی و تشکیل می شود. آنگونه که از منابع همزمان برمی آید، هزینه راه اندازی و استمرار این مدرسه نیز از وجوه خیریه و جمع آوری اعانه از خود ارامنه تأمین می شد. به اقرار و توصیف همین منابع، رشد و ترقی آن مدرسه ملموس نیز بوده، و تا سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰ بیست نفر محصل داشته است. روزنامه مظفری در شماره چهارم



خود به سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰ می نویسد: «این مدرسه هم به همت معارف خواهانه میرزا موسس خان که در وطن پرستی و معارف دوستی مستغنی از تعریف هستند در ماه اکتبر سال ۱۹۰۷ [۱۳۲۵ ق.] ایجاد شده، اکنون دارای ۲۰ نفر شاگرد اناث و ذکور است. چیزی که یک اندازه جالب انتظار است همین است که این مدرسه هم به تدارک وجوه خیریه که تحصیلش منحصر به قوه فکریه خود این جوان معارف دوست است تأسیس شده و تاکنون کمال پیشرفت را حاصل کرده که روز به روز رو به ترقی است...» (حمیدی، ۱۳۷۸، صص ۱۶۳-۱۶۲) علاوه بر این، توصیفات سدیدالسلطنه نیز از این مدرسه جالب توجه است و ما را در جریان جزئیات بیشتر این مدرسه قرار می دهد. او که خود از نزدیک با این مدرسه و مؤسس آن در ارتباط بوده، ضمن گزارش خود می نویسد: «مدرسه ارامنه در سنه ۱۹۰۷ [۱۳۲۵ ق.] تأسیس شده زبان ارمنی و انگلیسی و فارسی تدریس می شود. ماهانه انگلیسی چهار روپیه و غیر انگلیسی سه روپیه است. فقرای ارامنه مجاناً قبول می شوند. ماهانه تقریباً ماهی چهل روپیه شود بقیه قصر [کسر] مدرسه ارامنه موسی خان [موسس خان] بین ارامنه و غیره توزیع و جمع می نماید. هزار و پانصد تومان وجه ذخیره دارد. به بانک سپرده اند از قرار صد [ی] چهار سود در سال و مصارف مدرسه، مواجب معلم انگلیسی هفتاد روپیه و معلم ارمنی بیست تومان و معلم فارسی ده تومان و کرایه خانه هشت تومان و پنج هزار و مواجب خادمه سه تومان و مؤسس مدرسه موسس خان است» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱). همین گزارشگر در جایی دیگر و در همین ارتباط می نویسد: «... با موسس خان از مدرسه ارامنه بازدید کرده، بیشتر اطفال دختر بودند و مدرسه و شاگردان در نهایت نظافت بودند. خواهر زن میرزا احمدخان معلمه فارسی و خواهر زن دکتور ترن معلمه انگلیسی بودند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵). نکته قابل توجه همکاری مردم بومی بوشهر، به ویژه زنان، در امر تدریس این مدرسه بود. در واقع، همین همکاری ها علاوه بر اعتلای کار مدرسه ارامنه موجب بالا بردن سطح تعامل ارامنه و مردم بومی بوشهر به خصوص در تأسیس و استمرار کار سایر مؤسسات آموزشی در بوشهر شد. در همین دوره، موسس خان، همچنین برای بینوایان و ایتم مسیحی بوشهر نیز نوانخانه ای دایر کرد. تأسیس این مؤسسات علاوه بر حمایت از مستمندان ارمنی، موجب ساماندهی امور آنها و تلاش در جهت ارتقای سطح زندگی آنها بود.

تأثیر فعالیت ارامنه در تداوم و توسعه مدارس موجود در بوشهر

ارامنه، علاوه بر تأسیس مدارس در تداوم و توسعه مدارس دیگر بوشهر نیز نقش فعالی ایفا نمودند. از جمله مهم ترین این مدارس می توان به مدرسه سعادت مظفری اشاره کرد.



در واقع، مهم‌ترین نقش آنها در این مدرسه در دو بُعد مدیریتی - نظارتی و پشتیبانی - در قالب پرداخت اعانه و مساعدت‌های مالی - قابل تحلیل و بررسی است.

تأسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ق. ۱۸۵۳ م. در تهران به الگویی مؤثر در جهت اعتلای فرهنگی دیگر نقاط ممالک محروسه ایران تبدیل شد، به گونه‌ای که حدود ۴۹ سال بعد یعنی در سال ۱۳۱۷ ق. ۱۹۰۲ حکمران بوشهر، احمدخان دریابگی، در صدد ایجاد مدرسه‌ای بر آن سبک در بوشهر برمی‌آید. وی برای انجام این منظور، خانه‌ای در شهر اجاره کرد. به زودی مدرسه مزبور مورد استقبال گسترده اهالی بوشهر واقع شد. به گونه‌ای که ساختمان مورد اجاره، دیگر گنجایش دانش‌آموزان را نداشت. به همین خاطر، دریابگی در سال ۱۳۱۹ ق. ۱۹۰۴ به ساخت مدرسه‌ای با عنوان سعادت مظفری همت می‌گمارد. اما با انتقال وی به تهران، کار مدرسه مختل ماند. تا دو سال وضع مدرسه به سختی و بر همین منوال گذشت. به تدریج، به جهت آنکه تجار (غالب دانش‌آموزان فرزندان ایشان بودند) از پرداخت اعانه و مساعدت مالی، شانه خالی می‌کردند و رضاقلی خان نظام‌السلطنه مافی، حکمران بوشهر و جانشین دریابگی، نیز رغبت چندانی به ادامه کار مدرسه از خود نشان نمی‌داد، مدرسه در شرف تعطیلی قرار گرفت. در آن اوضاع و احوال، میرزایانس ارمنی، معاون گمرک پس از آگاهی از این امور، عده‌ای از بزرگان تجار را دعوت و جلسه‌ای تشکیل داد. وی در این جلسه در اطراف احتیاج آنان به ترقیات و تربیت اولاد به روشی که همه مردم جهان با آن گرویده و اهمیت داده‌اند نطق مؤثری ایراد می‌نماید و به همین خاطر و برای بقای مدرسه و انتظام بودجه آن آرای مختلف در میان آمد. سرانجام، به پیشنهاد میرزایانس مقرر شد از واردات اجناس به گمرک، عدلی^۱ یکشاهی (یک بیستم قران)، و از اجناس صادرات عدلی نیم شاهی (یک چهلم قران) به رسم اعانه دائماً به مدرسه پرداخت شود. آقایان تجار چون به مساعدت معاون و گمرک چشمداشتی داشتند و از تعهد و پرداخت اعانه نجات می‌یافتند و پرداخت وجوه مزبور بر مال‌التجاره تمام مردم ایران تحمیل می‌شد، با کمال میل و رضا قبول کردند (سعادت، ۱۹، ص ۱۳۳۷). بدین صورت، با اجرایی شدن پیشنهاد میرزایانس، مدرسه از تعطیلی نجات یافته و به کار خود ادامه داد. علاوه بر این، هیئت امنایی ۷ نفره نیز به منظور رتق و فتق امور و نظارت بر کار مدرسه شکل گرفت. نظریه اهمیت نقش میرزایانس، او نیز به عنوان عضو این هیئت امنا در کنار دیگر اعضا به طور مستقیم به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای مدرسه سعادت پرداخت.

به این ترتیب، میرزایانس تا سال ۱۳۲۰ ق. ۱۹۰۳ که به محرمه انتقال یافت، با عنوان یکی از اعضای هیئت امنای مؤثر مدرسه سعادت ایفاگر نقشی ماندگار در تداوم و استمرار مدرسه بود. همچنین، تدبیر مؤثر میرزایانس مبنی بر تأمین بودجه مدرسه سعادت

۱- عدل (Edl) : یک لنگه بار،
برای اطلاعات بیشتر رک: محمد
معین (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی (۱ ج)،
تهران، سرایش، ص ۶۷۶.



از طریق گمرک و کالاهای صادراتی و وارداتی، به عنوان الگویی در تأمین هزینه‌های مدارس دیگر بنادر خلیج فارس و سایر نهادهای اجتماعی مؤثر واقع شد. به عنوان نمونه، مدرسه محمدیه در بندر ریگ، مدرسه خزعلیه در محمره (خرمشهر)، و مرخصخانه بوشهر همگی در تأمین هزینه خود از طرح میرزایانس الگو گرفتند (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱، صص ۱۱۳، ۱۵۴ و ۱۶۹). هر چند که این آخری (مرخصخانه بوشهر) به مرحله اجرا نرسید و تجار از تعهدات خود شانه خالی کردند. در هر حال، همیاری میرزایانس حتی بعد از رفتن وی از بوشهر در سال ۱۳۲۰ ق. / ۱۹۰۳ نیز ادامه یافت. او حتی هنگامی که در تهران به سر می برد مورد مراجعه اولیای مدرسه سعادت مظفری قرار گرفت و در خدمت به مدرسه مزبور همچنان پابرجا بود. به عنوان نمونه، در جلسه ۲۷ شوال ۱۳۳۰، هیئت امنای مزبور، مقرر شد تا آقای موسس خان به صورت تلگرافی از میرزایانس، که آن موقع در تهران به سر می برد، تقاضای دو نفر فارسی دان کامل که علوم معمول و ریاضی را بدانند بکند (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۵۸-۱۵۹). به هر حال، بعد از میرزایانس، کرسی ارامنه در مدرسه سعادت بوشهر خالی نماند و با دعوت هیئت امنای مدرسه سعادت، میرزا موسس خان، که او نیز معاون اداره گمرک و از تربیت یافتگان مدارس جدید بود، به جای میرزایانس، به هیئت وکلای مدرسه پیوست (سعادت، ۱۳۳۷، صص ۲۰). مطالعه و بررسی اسناد و صورت مجلس‌های هیئت امنای مدرسه سعادت و بررسی عملکرد موسس خان به عنوان عضو هیئت امنای مدرسه مزبور، مؤید آن است که وی نیز با انجام مسئولیت‌های مختلف منشأ خدمات قابل توجهی به مدرسه مزبور بوده است؛ به ویژه اینکه در نتیجه مساعی وی و سایر همکارانش تعداد دانش‌آموزان مدرسه سعادت در عرض یک سال از هیجده نفر در سال ۱۳۱۸ ق. / ۱۹۰۱ به یکصد و چهل نفر در سال بعد می‌رسد. پس از مدتی به دلیل بروز مسائل مالی، این مدرسه به صورت نیمه تعطیل درآمد، اما با تلاش مجدد وی و همکارانش و رایزنی‌های موسس خان با اعیان و محترمین شهر بنا بر آن شد که با گرفتن مبلغ یک شاهی از امتعه ورودی به بوشهر و اختصاص آن به مدرسه سعادت در جهت حل این مشکل اقداماتی صورت گیرد (مظفری، ۲۰ و ۲۱)، صص ۷ و ۹). با این طرح مقداری از مشکلات مالی مدرسه مرتفع گردید، اما افزایش تعداد دانش‌آموزان و ایجاد تأسیسات تازه در مدرسه، مانند قرائتخانه، منابع مالی جدیدی را طلب می‌کرد. نفوذ و موقعیت سیاسی و اجتماعی موسس خان و اعتماد و اعتبار بالای وی، به خصوص در میان تجار و بازرگانان و البته نیاز ایشان به او، سبب‌ساز نقش عمده و اساسی وی در جمع‌آوری اعانه برای مدرسه شد. او از نفوذ خود بر بازرگانان خارجی و تجارتخانه‌های آنها از جمله تجارتخانه آلمانی، روسی و تجارتخانه

وانکھوس (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۰۸-۱۰۹) گرفته تا شخصیت‌های سیاسی و مسئولان حکومتی مانند حکمران بوشهر و دیگران به منظور تأمین و توسعه منابع مالی مدرسه مزبور بهره گرفت. به عنوان نمونه، مطابق بند ۵ صورت جلسه مورخ ۲۵ محرم ۱۳۲۷/۱۹۳۰ تصویب شد که «در خصوص نوشتن درخواست‌نامه بجهت تجارتخانه در دادن وجه خیریه مذاکره شد جناب موسس خان فرمودند که باین زودی حضرات در [ناخوانا، مجلس؟] تجارتي خودشان مجتمع می‌شوند من چیزی به ایشان می‌نویسم و در آن مجلس ارائه می‌دهم امید است که مفید واقع شود و حضرات تجار قبول نمایند» (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۰۸) و در بند ششم همین صورت جلسه نیز آمده است: «جناب موسس خان فرمودند خوب است لائحه اعانه بجهت مدرسه بنویسیم و از بعضی خیرین اعانه جمع نمائیم مقرر شد لائحه نوشته شده خدمت ایشان فرستاده شود» (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۰۸). به موجب صورت جلسه مورخ بیست و هفتم محرم ۱۳۲۸/۱۹۳۱ نیز «قرار بر این شد که جناب موسس خان بجناب حکمران در خصوص اعانه عقب افتاده ایشان یادآوری نمایند» (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۲۷). وی، جدای از تجار و صاحب‌منصبان بوشهر، از متمولان ساکن دیگر شهرها، نیز اعانه می‌گرفت. به‌عنوان نمونه، حاجی ملک‌التجار اصفهان و حاجی صمصام‌الملک از جمله افرادی بودند که با درخواست و پیشنهاد موسس خان، برات آنها به حواله شخص قابل اعتماد در بوشهر وصول می‌شد (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۴۲). علاوه بر این، موسس خان بر ترتیب و نوع درس‌های محصلان مدرسه و برنامه درسی معلمان آن نیز نظارت داشت و در واقع رأی و نظر او در این زمینه قاطع و نهایی بود (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۵۴). موسس خان، همچنین، در گزینش معلم برای مدرسه، به‌خصوص معلم انگلیسی نیز نقش اساسی داشت (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۲۱) و بر برنامه کاری معلمان نظارت می‌کرد. در صورت مجلس مورخ پنجم رمضان ۱۳۲۹/۱۹۳۲ می‌خوانیم که «جناب موسس خان لایحه پیشنهاد وکلاء نموده مضمون آن این بود که معلمین عموماً از این ببعد باید کتترات باشند و همیشه موجب دو ماه بضمانت نزد امین صندوق بگذارند، بعد از مذاکره زیاد بجلسات آتیه محول شد» (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۴۷). وی، همچنین، از نسبت آشنایی خود با میرزایانس بهره برده و درخواست اعزام دو نفر معلم را از تهران می‌نماید. علاوه بر این، وی با استفاده از جایگاه و نفوذ خود حتی در صدد جلب



معلم از هندوستان نیز برمی آید (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۳۴-۱۵۹). نظارت او بر گزینش دانش آموزان مدرسه و حتی پذیرش برخی دانش آموزان تهیدست چه توسط وی و چه به سفارش ایشان نیز از جمله مواردی است که از مفاد صورت مجالس مختلف به دست می آید (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۲۷-۱۳۰).

میرزا یانس، همچنین، با فراهم کردن زمینه پذیرش دانش آموزان فارغ التحصیل این مدرسه در اداره گمرک نیز، ضمن فراهم آوردن زمینه کار و اشتغال برای ایشان، با برانگیختن شوق و میل در دانش آموزان و اولیای ایشان آنها را به درس و مدرسه راغب می کرد. این اقدام موسس خان از دیدگاه مدیر روزنامه مظفری کاری ارزشمند تلقی شده و مایه سپاس و قدردانی آنها را در مطبوعه مربوط فراهم آورده بود (حمیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۰).

از دیگر اقدامات مؤثر موسس خان برای اعتلای مدرسه سعادت، می توان به مساعی وی جهت ساخت قرائتخانه اشاره کرد. روزنامه مظفری در توصیف این اقدام موسس خان، ضمن درج سخنانی وی در جمع تعدادی از اعیان و جوانان شهر می نویسد: «... پس خود میرزا موسس خان تقریباً نیم ساعت نجومی، نطقی مفصل از محسنات این کار کرده، و از طرف جمیع حضار در طی اظهار رضایت و ممنونیت، یکصد و ده تومان به رسم اعانه موقتی و قریب به ۲۵ تومان اعانه مستمری ماهانه به جهت این کار خیر جمع آوری شد که با آنچه از خیریه های سابق، موجود دارند، صرف تعمیر عمارتی مخصوص قرائتخانه در مدرسه سعادت نمایند» (حمیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵). به واسطه همین تلاش های موسس خان، وی بار دیگر (۱۳۲۸ق./۱۹۱۰)، در انتخابات اعضای هیئت امنای مدرسه به علاوه دیگر اعضای سابق، با کسب اکثریت آرا به عنوان وکیل مدرسه سعادت انتخاب شد (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۲۷).

تأثیر اقدامات فرهنگی ارامنه بوشهر در دیگر بنادر خلیج فارس

دامنه اقدامات فرهنگی ارامنه علاوه بر بوشهر، دیگر بنادر خلیج فارس را نیز شامل شد. هنگام مأموریت موسس خان در گمرک بندرعباس و بندر لنگه، بی تفاوت ننشسته و در بندرعباس با تأسیس مدرسه جاوید عباسی، در رشد و رونق فرهنگی این مناطق تلاش وافر مصروف کرد (مظفری، ۱(۵)، ص ۱۵). موسس خان در بندرعباس با الگوبرداری از مدرسه سعادت بوشهر و سابقه تجارب زیاد در امر مدیریت آن مدرسه، در بندرعباس نیز با تشکیل انجمن یا هیئت امنا به منظور رتق و فتق و تداوم آن مدرسه گام برمی دارد. از آنجا که در آغاز به کار مدرسه جاوید به معلمان کار آزموده نیاز می افتد، موسس خان، به منظور تأمین این ضرورت،



دست یاری به سوی هیئت امنای مدرسه سعادت دراز می‌کند. به دنبال این درخواست، انجمن خیریه مدرسه سعادت نیز درصدد اعزام معلم به بندرعباس برمی‌آیند (آرشیو بنیاد بوشهرشناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۷۲).

موسس خان، همچنین، در امر مطبوعات نیز از افراد کارآمد دوران خود به‌شمار می‌آمد. چنان که او در بندر لنگه با برعهده گرفتن نمایندگی یا وکالت روزنامه مظفری نقش برجسته‌ای در بالا بردن سطح آگاهی مردم این بندر به عهده گرفت (مظفری، ۱۵)، ص ۱۵). این روزنامه، نخستین بار در سال ۱۳۱۹ ق. / ۱۹۰۱ توسط متین‌السطنه ثقفی در بوشهر تأسیس و سال‌ها در مطبوعه مظفری بوشهر چاپ می‌شد (یا حسینی، ۱۳۷۴، ص ۶۸). این روزنامه در نمرات چهارم و پنجم خود، در همان سال اول، به معرفی وکلای خود در نقاط مختلف ایران و بیرون از ایران پرداخت و به صراحت از میرزا موزرخان (موسس خان) به‌عنوان وکیل آن روزنامه در بندر لنگه نام برد، در حالی که وی ریاست گمرگ خانه آنجا را نیز برعهده داشت (مظفری، ۱۵)، ص ۱۵). بنابراین، می‌توان گفت که میرزا موسس خان، در واقع از همان آغاز شکل‌گیری و شروع به کار این روزنامه به عضویت آن در آمده است. این روزنامه معمولاً نام گزارشگران یا نویسندگان مقالات خود را ذکر نمی‌کرد، اما براساس شیوه کاری روزنامه که گزارش اتفاقات در شهرهای مختلف را به صورت «مکتوب از تهران» یا «مکتوب از لنگه» و غیره ثبت می‌کرد، می‌توان حدس زد که همین وکلا یا نمایندگان روزنامه بودند که این گزارش‌ها را برای دفتر روزنامه مخابره می‌کردند.

موسس خان، که وکالت یا نمایندگی روزنامه مظفری را در بندر لنگه عهده‌دار بوده به طبع این امر وظایف و مسئولیت‌هایی را بر عهده داشت. وظایفی چون جلب و شناسایی مشترکان، جمع‌آوری وجه اشتراک مشترکان روزنامه، و همین‌طور توزیع و پخش این روزنامه میان مشترکان از جمله آنها بودند. این امر، از گزارشی که روزنامه مظفری طی آن از وکلای خود می‌خواهد که اسامی مشترکان محترم را با تمام القاب و شئون و آدرس مرقوم فرمایند و همین‌طور در هر نقطه که هریک از وکلای محترم بدانند، توزیع این جریده را پیشرفت ندارند بسته روزنامه را عیناً به اداره مظفری عودت دهند، بر می‌آید (مظفری، ۲(۷)، ص ۱۴).

اقدامات فرهنگی موسس خان، حتی بعد از رفتن همیشگی وی از این شهر نیز از خاطر اولیای شهر بوشهر نرفت. چنانچه پس از فوت وی در تهران در سال ۱۳۱۱ شمسی ریاست اداره معارف و اوقاف بنادر جنوب ضمن یادداشتی با گرامی داشت خدمات وی از مسولان مدرسه درخواست کرد تا با لباس مشکی تمیز جهت ترحیم در مجلس فوت موسس خان ارمنی به خانه کشیش وارتان رفته پس از ادای مراسم تعزیت و تسلیت باقی

ماندگان آن مرحوم مراجعت نمایند (آرشیو راکد مدرسه سعادت بوشهر، سند فاقد شماره، سند به تاریخ ۱۳۱۱/۱۱/۱۳ ش. ۱۹۳۳ م.).

علاوه بر موسس خان، از ارامنه بوشهر افراد خیر دیگری نیز بودند که کمک‌های مالی آنها موجب استمرار نهادهای آموزشی به ویژه مدرسه سعادت بوشهر شد. روزنامه مظفری در گزارش‌های خود به تاریخ‌های مختلف، به ذکر اسامی افراد و مقدار اعانه هریک به مدرسه سعادت اشاره کرده است (مظفری، به ترتیب ۱-۲-۳ (به ترتیب ۲، ۴، ۸ و ۳۸)، به ترتیب صص ۱۰، ۵-۱۲).

علاوه بر بعد مدیریتی و بعد مالی، برخی نیروهای ارمنی نیز در مدرسه به‌عنوان معلم به تدریس دروس و به‌خصوص درس انگلیسی می‌پرداخته‌اند. چنانچه براساس منابع، در آغاز به کار مدرسه سعادت، یک نفر ارمنی تحصیل کرده در کلکته، مدرس زبان انگلیسی بوده است. هرچند که سه نفر از اعیان هم روزی یک ساعت به تعلیم این زبان می‌پرداختند (فلور، ۱۳۸۷، ص ۵۶). همچنین، به موجب اسناد مربوط به مدرسه سعادت، در سال ۱۳۲۷ ق. ۱۹۰۹، مستر آرام تراملی، که آنگونه که از نام او پیداست ارمنی بوده، تدریس زبان انگلیسی را در این مدرسه برعهده داشت. وی، به جای آقامیرزامحمد، معلم انگلیسی آن مدرسه بدین سمت پرداخت. (آرشیو بنیاد بوشهر شناسی، اسناد مدرسه سعادت بوشهر، سند شماره ۱۲۰). زیتون، بازرگان سرشناس ارمنی، که از حامیان مالی مدرسه سعادت نیز بود، در دوره‌ای تدریس زبان انگلیسی را نیز به عهده داشت (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲، ص ۵). از دیگر معلمان ارمنی، مگردیچ ارمنی بود که ماهی سی و پنج تومان نیز از مدرسه مذکور دریافت می‌کرد (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

پیشینه حضور فعال ارامنه در بندر بوشهر به دوره صفویه باز می‌گردد. پس از افول حکومت صفویه و روی کار آمدن نادرشاه افشار و به دنبال فعالیت وی در جهت شکوفایی بندر بوشهر، فعالیت ارامنه نیز در این بندر حیاتی تازه گرفت. به تدریج، ارامنه در دوره قاجار از جمعیت قابل توجهی در بوشهر برخوردار شدند و در عرصه‌های مختلف حضوری پررنگ و تأثیرگذار پیدا کردند. ارامنه بوشهر در این دوره در محلات مخصوص به خود اقامت داشتند. از لحاظ اعتقادی نیز ارامنه بوشهر جزء مسیحیان ارتدوکس و در ارتباط مستمر با ارامنه اصفهان بودند. چنانکه کشیشان کلیسای بوشهر در این دوره با نظارت کلیسای اصفهان انتخاب و به بوشهر اعزام می‌شدند. ارامنه در این دوره، جهت ضمن حفظ آیین و زبان مادری خود به زبان‌های بومی بوشهر و زبان فارسی و همچنین زبان انگلیسی آشنایی داشتند که این



امر مشارکت فعال آنان را در امور تجارت و بازرگانی تسهیل می‌بخشید. تلاش آرامنه در جهت تعامل با سکنه بومی بوشهر حتی در نوع پوشش آنها تأثیر گذاشته و پوشش آنها تمایز چندانی با دیگر اهالی ساکن این شهر نداشت یا آمیزه‌ای از گروه‌های مختلف ساکن در این بندر بود. استعداد و پویایی نیروهای ارمنی در کنار تساهل و مدارای مذهبی که خصوصیت اکتسابی بنادر مهاجرپذیر با تنوع نژادی مختلف بود، این فرصت را جهت آرامنه فراهم می‌آورد تا ضمن برپایی آزادانه مراسم و شعائر دینی خود در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی این بندر نیز نقش فعالی ایفا نمایند. علاوه بر تأسیس مدرسه‌ای جهت آرامنه می‌توان به مشارکت آنها در تداوم کار و توسعه مدرسه مظفری بوشهر اشاره کرد. علاوه بر این، آرامنه در این دوره، با راه‌اندازی تأسیسات جانبی این مدرسه، همچون قرائتخانه و ارائه الگوی ابتکاری تخصیص مقداری از عوارض گمرگی به امور آموزشی این بندر، گام‌های ارزشمندی در جهت اعتلای فرهنگی بندر بوشهر در دوره قاجار برداشتند. اقدامات آرامنه در جهت تأسیس و حمایت از مؤسسات آموزشی و مشارکت در امور مطبوعاتی بعدها به‌عنوان مدل و الگوی مناسب در دیگر بنادر خلیج فارس نیز مورد استفاده قرار گرفت. مشارکت و پشتیبانی از نهادهای آموزشی و مطبوعاتی، علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی و فرهنگ و سواد ساکنان، موجب اشتغال‌زایی و مبارزه با بیکاری در این بندر شده بود و بیشتر فارغ التحصیلان این نهادهای آموزشی در دوایر مختلف دولتی و آموزشی مشغول به کار شدند. بدین ترتیب و بر اساس اسناد و مدارک، آرامنه در دوره قاجار در بوشهر علاوه بر تعامل همسان با اهالی و ساکنین بوشهر، خود یکی از گروه‌های فعال و تأثیرگذار در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی این بندر به شمار می‌آمدند.

منبع

اسناد:

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۲۶، کارت‌ن ۴، پرونده ۱۳، صفحه ۴۱.
..... سال ۱۳۱۳، کارت‌ن ۲۵، پرونده ۱۷، صفحه ۲۳، سند
به تاریخ ۲۷ شوال ۱۳۱۳.
..... سال ۱۳۲۶، کارت‌ن ۴، پرونده ۳، صفحه ۱۲، سند به
تاریخ ۲۹ صفر ۱۳۲۶.
..... سال ۱۲۶۸، کارت‌ن ۱۶۰، صفحه ۱۶، سند به تاریخ ۸
شوال ۱۲۶۸.



- سال ۱۲۶۸، کارتن ۴۷، صفحه ۲۳۶، سند به تاریخ
۲۳ شوال ۱۲۶۸.
- آرشیو بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر، مجموع اسناد مدرسه مبارکه سعادت بوشهر، دفتر صورتجلسات
وکلاهی مجلس ۱۳۲۵-۱۳۲۴ ق، تهیه و تنظیم: کارشناسی روابط عمومی و اسناد اداره کل آموزش و
پرورش استان بوشهر، جلد ۱، بی جا، بی تا، بی نا، سند شماره ۱۵۸-۱۵۹، تاریخ سند ۲۷ شوال ۱۳۳۰
..... سند شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، تاریخ سند ۳ صفر ۱۳۲۷ و ۲۵ محرم ۱۳۲۷.
- سند شماره ۱۲۷، تاریخ سند ۲۷ محرم ۱۳۲۸.
- سند شماره ۱۴۲، تاریخ سند ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۹.
- سند شماره ۵۴، تاریخ سند ۱۱ رجب ۱۳۲۵.
- سند شماره ۱۲۱، تاریخ سند ۱۹ شوال ۱۳۲۷.
- سند شماره ۱۴۷، تاریخ سند ۵ رمضان ۱۳۲۹.
- سند شماره ۱۵۹ و ۱۳۴، تاریخ سند ۲۷ شوال ۱۳۳۰ و ۸ شوال ۱۳۲۸.
- سند شماره ۱۳۰ و ۱۲۷، تاریخ سند ۸ جمادی الاول ۱۳۲۸ و ۲۸ صفر ۱۳۲۸.
- سند شماره ۱۲۸، تاریخ سند ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۲۸.
- سند شماره ۱۷۱، تاریخ سند ناخوانا.
- سند شماره ۱۶۹، تاریخ سند ۲۷ محرم، سال ناخوانا.
- سند شماره ۷۲، تاریخ سند ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۵.
- سند شماره ۱۲۰، تاریخ سند ۱۲ شوال ۱۳۲۷.
- آرشیو راکد مدرسه سعادت بوشهر، سند فاقد شماره، سند به تاریخ ۱۳۱۱/۱۱/۱۳ ش. (۱۹۳۳م).

روزنامه ها:

- مظفری**، سال اول، ۱۳۱۹ ق، شماره ۲، ۴، ۵؛ سال ۱۳۲۰ ق، شماره ۸؛ سال سوم ۱۳۲۱ ق، شماره ۳؛ سال
چهارم، سال ۱۳۲۳، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۷ و ۹.

کتاب ها:

- استفان رای، گرمون (۱۳۷۸). **چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران از ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ میلادی**. (حسن
زنگنه، مترجم). قم: همسایه.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۷). **عالم آرای عباسی** (ایرج افشار، کوششگر). تهران: امیرکبیر.
- حسینی استرآبادی، حسن (۱۳۶۶). **تاریخ سلطانی** (احسان اشراقی، کوششگر). تهران: انتشارات علمی.
- حمیدی، سیدجعفر (۱۳۸۰). **فرهنگ نامه بوشهر**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۷۸). **بوشهر در مطبوعات عصر قاجار**. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- رایت، دنیس (۱۳۶۱). **تقش انگلیس در ایران** (فرامرز فرامرزی، مترجم). تهران: فرخی.



- زنگنه، حسن (۱۳۸۶). *مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر ۱۹۱۵-۱۹۰۵ م.* ۱۳۳۳/ - ۱۳۳۳ هـ.ق. (حسن زنگنه، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد بوشهر شناسی.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی خان (۱۳۷۱). *سرزمین های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان* (احمد اقتداری، مصحح). تهران: جهان معاصر.
- (۱۳۶۲). *سفرنامه سدیدالسلطنه «التدقیق فی سیرالطریق»* (احمد اقتداری، مصحح). تهران: به نشر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ.ق.)*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران* (حسین نورصادقی، مترجم). بی جا: اشراقی.
- فلور، ویلم. ام (۱۳۸۷). *ظهور و سقوط بوشهر* (حسن زنگنه، مترجم). تهران: طلوع دانش.
- کرزن، جرج. ن (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران* (غ، وحید مازندرانی، مترجم). تهران: مرکز انتشارات علمی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- لوریمر، ج. ج (۱۳۷۹). *راهنمای خلیج فارس، تاریخ و جغرافیای بوشهر* (سید محمدحسن نبوی، مترجم). شیراز: نوید.
- مستوفی، محمد محسن بن محمد کریم (۱۳۷۵). *زبدۃالتواریخ* (بهروز گودرزی، کوششگر). تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۳). *فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عیسویان در بوشهر* (بنیاد ایران شناسی، گردآورنده). (نخستین همایش ملی ایران شناسی ۲۷-۳۰ خردادماه ۱۳۸۱). تهران: بنیاد ایران شناسی.
- (۱۳۸۲). *عیسویان در بوشهر*. بوشهر: انتشارات بوشهر با همکاری بنیاد بوشهر شناسی.
- وادالا، ر (۲۵۳۶). *خلیج فارس در عصر استعمار* (شفیع جوادی، مترجم). تهران: سحاب کتاب.
- یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۷۴). *مطبوعات بوشهر رکن اساسی در تاریخ روزنامه نگاری ایران* بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر.

مقاله:

- سعادت، شیخ عبدالکریم (۱۳۳۷). *مختصری از تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر از ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۴ ق.* *سالنامه فرهنگ بوشهر*.